



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۱۱/۲۰



احمد سعیدی

مشکل افغانستان تنها طالب نیست

افغانستان یکی از مناطق حساس جهان و مهم از نظر ژئوپلتیکی، ژئواکونومیکی و ژئوکالچری است. که هرکدام از موقعیت ها در جایگاه خود هم امتیازاتی و هم معایبی برای این سرزمین بلا کشیده بوجود آورده است. اما آنچه که افغانستان را به میدان رقابت های منطقی و فرا منطقی تبدیل کرده است جایگاه ژئو پولتیک و ژئواکونومیکی آن است ذخایر زیر زمینی این کشور که تا هنوز دست نخورده باقی مانده اند قدرت های جهانی از ذره ذره آن آگاهی دارند و در راه بدست آوردن این ذخایر در تلاش اند.

از سوی دیگر متأسفانه این سرزمین با همه امتیازاتی که دارد که مهمترین آن منابع عظیم و بی حد و حصر ذخایر معدنی است. اما همواره محیط پر آشوب و مأمّن کشورهای بیگانه و گروه های تروریستی بوده است. بعد از سقوط حکومت دوکتور نجیب الله و به قدرت رسیدن مجاهدین در کابل دیری نگذشته بود که جنگ های داخلی بین نیرو های جهادی شدت گرفت شهر کابل بین احزاب و نیرو های مختلف جهادی تقسیم شده بود با گذشت هر روز بر ویرانی های شهر کابل افزوده میشد در چنین وضعیت بحران زا زمانیکه نصیر الله بابر وزیر داخله وقت پاکستان میخواست قطاری از اموال تجارتي آن کشور را به کشورهای آسیای میانه برساند.

طالبان: همزمان با آن قطار و حمایت از آن افغانستان در ماه عقرب سال ۱۳۷۳ با پدیده ای نو ظهور در داخل افغانستان به نام گروه طالبان روبرو گردید جریان از این قرار بود که پس از یک درگیری خونین میان گروهی نو ظهور با نیرو های محلی در شهر سپین بولدگ در مرز پاکستان فردی به نام مولوی منان نیازی با بخش فارسی رادیو بی بی سی مصاحبه و خود را سخنگوی گروه جنگجوی جدید معرفی و اهداف خود را اینگونه اعلام نمود:

ما محصلین و طالبان مدارس دینی هستیم که برای از بین بردن گروه ها و دسته جات مسلح محلی و برقراری امنیت راه های تجاری اقدام نموده ایم. در آشفته بازار آن روز نه تنها کسی نبود تا از این تازه واردشدگان به عرصه مبارزه سؤال نماید که:

- از کجا آمده اند؟
- مدارس آنان در کجا قرار دارد؟
- کدام منابع مالی تأمین کننده هزینه تسلیحاتی می باشد که در دست دارند؟

• و یا چگونه سخنگوی آنان در بدو ورود از رادیو بی بی سی سر برآورد تا به معرفی خود و گروهش بپردازد؟

بلکه دولت مرکزی وقت نیز شاید این گروه را در کنار دسته جات مسلح دیگری قرار داد که هر از چند گاهی در این کشور مصیبت زده می آیند و می روند.

هنوز بیش از یک ماه از ظهور این گروه مرموز طالبان نگذشته بود که آنان موفق شدند بزرگترین و مهمترین ولایت جنوبی افغانستان یعنی قندهار با تمام امکانات نظامی موجود در آن شامل کلیه تسلیحات و انبارهای مهمات آن را تصرف و به عنوان گروه طالبان خود را به مردم و حاکمان افغانستان تحمیل نمایند. در این هنگام بود که گروه طالبان و تحریکات آنان جدی تلقی و از سوی صاحب نظران مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت این داستان دنباله دار و ادامه جنگ آغاز شده و زور آزمایی های این گروه تا هنوز ادامه دارد.

القاعده : پس از آنکه اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۷۹ میلادی به افغانستان لشکرکشی کرد، به حمایت پاکستان و کشور های غربی جهاد افغانستان علیه روس ها آغاز شد یک تعداد از جوانان مسلمان از سراسر جهان در لیبیک به فتوای جهاد ضد شوروی از کشور های مختلف بخصوص از کشور های عربی برای پیوستن به مقاومت افغانستان خود را بخاطر حمایت از جهاد افغانستان به پاکستان رسانیدند در آن زمان بود، نیروهای اسلامگرا ابتدا به پاکستان می آمدند و بعد از مسلح شدن از آنجا، وارد افغانستان می شدند.

در آن زمان، شخصیت اسلامگرای سلفی فلسطینی الاصل، به نام عبدالله عزام نقش اساسی در برانگیختن این حرکت جهانی داشت. سخنرانی ها و دعوت هایی که عبدالله عزام درباره جهاد برای دفاع از مسلمانان مستضعف افغانستان ایراد می کرد، از طریق رادیو ها و مساجد و مجلات و به مردم مسلمان در سراسر جهان توسط خبر گزاری های کشور های غربی می رسید.

یکی از جوانانی که در آن روزها به پاکستان سفر کرده بود، جوان دانشجوی عربستانی به نام اسامه بن لادن بود که به زودی تبدیل به یکی از پیروان مخلص عبدالله عزام گردید. بن لادن، زیر نظر خود عبدالله عزام مدت کوتاهی همراه با داوطلبان عرب به نبرد در افغانستان پرداخت اما کار مهم تر بن لادن این بود که از روی کار عزام نسخه برداری کرد و او هم یک دفتر مخصوص در پیشاور تأسیس کرد تا کمک های مختلف را از سراسر جهان جذب و از سیستم عبدالله عزام حمایت نماید. این دفتر، بیت الانصار نام داشت بعد از کشته شدن عبدالله عزام اسامه بن لادن رهبری القاعده را به عهده گرفت و بعد از مرگ او ایمن الظواهری گروه القاعده را مدیریت می نماید بقایای این گروه نیز تا کنون در افغانستان و پاکستان فعال اند.

داعش : دولت اسلامی در عراق و شام " یا "داعش" گروه مسلحی است که با تفکرات سلفی افراطی در تلاش بوده و است که در سوریه ، عراق و افغانستان خلافت اسلامی ایجاد کند. سرکرده این گروه ابوبکر البغدادی نام دارد. که شاخه آن در افغانستان بنام خراسان اند گروه های دیگری مانند.

گروه جبهه النصره: توحید و جهاد تحریک طالبان پاکستانی، لشکر طیبه، لشکر جنگجوی، جماعت الدعوه، جهش محمد، کمیته امنیت اسلامی، اهل سنت والجماعت، ارتش متحد اسلامی، بنیاد فلاح اسلامی، حرکت المجاهدین، سر فروشان اسلام، جبهه خراسان، احرار الشام، ارتش آزاد، فتح الاسلام، جنبش اسلامی ازبکستان، حرکت الجهاد الاسلامی، لشکر اسلامی، جنبش ترکستان شرقی اوغورستان، شبکه حقانی، امارات اسلامی وزیرستان، تحریک نواز شریعت محمدی، اتحاد جهاد اسلامی، بریگاد گوریلائی اعراب مربوط القاعده، امارات قفقاز (توسط چیچنی ها اداره می شود).

این گروه ها تنها تعدادی از گروه هایی هستند که در افغانستان و پاکستان در حال حاضر مستقیم و غیر مستقیم فعالیت می کنند قبلاً در عراق و سوریه نیز تعدادی از گروه ها فعال بودند. بعد از شکست در عراق و سوریه زیادتراً این گروه ها خود را به پاکستان و فغانستان رسانیده اند باور دارم ابر قدرت های جهانی نیز از این گروه های شناخت کافی دارند و گاه بیگانهی بخاطر تحقق منافع خود از این گروه ها استفاده همه جانبه هم می نماید به عقیده من نه تنها قدرت های جهانی بلکه یک تعداد از کشورهای منطقه همواره نیز در تلاش اند تا به استفاده از جنگ نیابتی توسط این گروه ها بی ثباتی در افغانستان ادامه پیدا کند تا بتوانند اولاً به مقاصد سیاسی خود بهره برداری نمایند که عبارتند از: دخالت در امور داخلی کشورهای منطقه، ایجاد حکومت های همسو با خود، وابستگی کشورها به خود (از لحاظ امنیتی و اقتصادی، سیاسی استفاده از منابع معدنی بخصوص یورانیم افغانستان است، گرچه قدرت های جهانی همواره خود را به عنوان ناجی در معضلات بین المللی نشان میدهند اما حقیقت چیزی دیگر است که خود آنها جز از مشکل کشور های درگیر در جنگ اند.

نتیجه:

پس افغانستان در کجای این ماجراست حضور تعداد زیادی از گروه های تروریستی در منطقه که حمایت جهانی و منطقوی را نیز با خود دارند افغانستان با کدام از این گروه ها مصالحه نماید کدام گروه را شریک قدرت بسازد تا گروه دیگری دست از جنگ بردارد بعضی ها در شعار با حقوق بشر و دموکراسی که از زبان قدرت های جهانی بیرون می شود دل بسته اند اما به عقیده من تحقق دموکراسی و حقوق بشر از طرف قدرت های بزرگ یک داعیه نیست بلکه یک شعار فریبکارانه است بخاطر اهداف دراز مدت آنها خارجی ها چه در حالت دوستی باشند چه در حالت دشمنی، اهداف و منافع خود را دنبال می کنند تا وقتی که اهداف دراز مدت قدرت های بزرگ جهانی و منطقوی در افغانستان تحقق نیافته باشد این جنگ و این ویرانی ادامه خواهد یافت.



با تشکر از وبسایت عزیز جام غور